

تحلیل عدم تعادل فضایی توزیع خدمات اقتصادی، اجتماعی دهستان‌های استان قزوین

فرشته حاجی فتحعلی^{۱*} و مرضیه باقر عطاران^۲

تاریخ دریافت: ۱۵ شهریور ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۱۲ خرداد ۱۳۹۷

چکیده

چگونگی توزیع امکانات در روستاها بیانگر سطح توسعه‌یافتگی مناطق بوده و تعادل در توزیع فضایی امکانات نیز میزان دسترسی جمعیت روستایی را در برخورداری از امکانات بیان می‌نماید. با توجه به اینکه در کشورهای توسعه نیافته به طور طبیعی قسمت عمده‌ی جمعیت در مناطق روستائی زندگی می‌کنند، شناخت ویژگی‌های ساختاری سطوح توسعه‌یافتگی و آگاهی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های محیطی هر منطقه اهمیت زیادی دارد. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای گام نخست شناخت و سطح‌بندی مناطق از نظر میزان برخورداری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و خدماتی در فرآیند برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای می‌باشد که با این کار تنگناها و محدودیت‌های مناطق مشخص شده و می‌توان برای رفع آنها اقدام نمود. در این راستا هدف اصلی این پژوهش دستیابی به میزان توسعه‌یافتگی و یا محرومیت دهستان‌های استان قزوین می‌باشد. جهت دستیابی به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی و مدل اسکالوگرام استفاده شده است. میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان قزوین از نظر ۴۱ شاخص از جمله شاخص‌های آموزشی، بازرگانی، فرهنگی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی و ... مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که در این رتبه‌بندی از بین ۴۶ دهستان موجود در استان قزوین، پیر یوسفیان در شهرستان البرز در رتبه اول قرار داشته و دهستان الموت پایین در شهرستان قزوین در رتبه آخر جدول قرار گرفته است. سپس با توجه به امتیاز بدست آمده دهستان‌ها به چهار دسته برخورداری، نسبتاً برخورداری، نیمه برخورداری و محروم تقسیم‌بندی شده‌اند. دهستان‌های محروم بیشتر در شهرستان‌های قزوین و آوج قرار گرفته و دهستان‌های برخورداری در شهرستان بوئین زهرا قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: توزیع خدمات، روش اسکالوگرام، عدم تعادل

۱- کارشناسی ارشد، توسعه و برنامه ریزی اقتصاد
۲- کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری
* نویسنده مسئول: fathali987@yahoo.com

مقدمه

امروزه کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت زیربنای اقتصادی خود، رهایی از وابستگی، ایجاد تعادل منطقه‌ای و در نهایت نیل به توسعه اقتصادی پایدار، نیازمند شناسایی امکانات و منابع کشورشان می‌باشند (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۹). بسیاری از نظریه پردازان توسعه مانند میردال و تودارو، بر کاهش نابرابری اقتصادی و اجتماعی به مثابه یکی از اهداف توسعه تاکید دارند. نبود توازن میان مناطق گوناگون در جریان توسعه به ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای می‌انجامد که خود مانعی در مسیر توسعه است (سردار شهرکی و همکاران، ۱۳۹۲). از طرف دیگر شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخستین گام در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است. با این کار تنگناها و محدودیت‌های مناطق مشخص شده و می‌توان برای رفع آنها اقدام کرد (موسوی، ۱۳۹۰). حصول توسعه یکپارچه در هر منطقه از طریق توزیع خدمات مختلف به صورت متعادل و متوازن میسر است. با توجه به این که سیستم برنامه‌ریزی در هر منطقه متفاوت است (وونوا ناسانتارا^۱، ۲۰۱۴)، باید ابتدا سطح توسعه فعلی مشخص شود. برای برنامه‌ریزی بهتر در نواحی گوناگون، لازم است که نواحی از نظر برخورداری طبقه‌بندی شوند تا نسبت به میزان برخورداری یا عدم برخورداری آنها، برنامه‌ریزی صورت گیرد. سطح‌بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. با این روش، روند شکل‌گیری توسعه مناطق مشخص می‌شود و در نهایت در برنامه‌ریزی مذکور، مناطق نیازمند و کمتر توسعه‌یافته در نظر گرفته می‌شود و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می‌شود (امیدزاده، ۱۳۹۲).

عدم تعادل در هر ناحیه جغرافیایی، ناشی از دو دسته عوامل، یکی درون ناحیه‌ای و دیگری برون ناحیه‌ای است. عوامل درون ناحیه‌ای مانند شرایط طبیعی و جغرافیایی حاکم بر ناحیه، آب، خاک، ژئومورفولوژی و اقلیم که هر جا این شرایط مناسب باشد چنین ناحیه‌ای برتری محسوس خواهد داشت. عوامل برون ناحیه‌ای نیز در پیشرفت یا عدم پیشرفت نواحی تأثیر بسزایی خواهند داشت، این عوامل ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و نوع استراتژی انتخابی جهت توسعه است (خیرالدین و نادری، ۱۳۹۴). تمرکز شدید و عدم تعادل از جمله ویژگی‌های کشورهای جهان سوم است که این ویژگی معلول نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. در نتیجه این سیاست، تعداد محدودی از مناطق، نقش کلیدی داشته و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل می‌کنند. در نتیجه تمرکز سرمایه و امکانات در مناطق بزرگتر، رشد روابط سرمایه‌داری پیرامونی و کمبود زیرساخت‌ها در نواحی را به دنبال داشته است (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۸۹).

برای ایجاد تعادل نسبی میان همه مناطق، شناخت مناطق محروم و غیرمحروم بر اساس معیارهای خاص از وظایف برنامه‌ریزان جامعه است. همچنین هدف اکثر برنامه‌ریزان در کشورهای گوناگون دستیابی به توسعه پایدار است. از طرف دیگر، برای هماهنگی هدف‌های ملی و بخشی با واقعیات منطقه‌ای، لازم است که در چارچوب

سیاست‌های توسعه کلان و بخشی، سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و ناحیه‌ای نیز مورد توجه قرار گیرند تا بتوان سیاست‌های کلان را با قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه سازگار کرد (امین بیدخت، ۱۳۸۵). یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است (فنی، ۱۳۸۲). با توجه به اینکه در کشورهای توسعه‌یافته به طور طبیعی قسمت عمده‌ی جمعیت در مناطق روستائی زندگی می‌کنند (لطیفی، ۱۳۸۸)، در فرآیند برنامه‌ریزی برای توسعه روستائی شناخت ویژگی‌های ساختاری سطوح توسعه-یافتگی و آگاهی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های محیطی هر منطقه اهمیت زیادی دارد. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای گام نخست شناخت و سطح‌بندی مناطق از نظر میزان برخورداری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و خدماتی می‌باشد (مهدوی و امیری، ۱۳۹۵). چگونگی توزیع امکانات در روستاها بیانگر سطح توسعه‌یافتگی در این مناطق و تعادل در توزیع فضایی امکانات نیز می‌تواند میزان دسترسی جمعیت روستائی را در برخورداری از آن امکانات بیان نماید، این امر با استفاده از بررسی شاخص‌های مورد نظر در توزیع امکانات و روش‌های خاص سطح-بندی قابل انجام می‌باشد. از این رو در این تحقیق، با بررسی شاخص‌های گوناگون بخش‌های آموزش، بازرگانی، فرهنگی - ورزشی، سیاسی - اداری، زیربنایی، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات در سطح دهستان‌های استان می‌توان میزان برخورداری و محرومیت روستاها از امکانات را تعیین نمود. در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان توسعه و محرومیت دهستان‌های استان قزوین با استفاده از روش اسکالوگرام است. جهت دستیابی به این هدف در ابتدا وضع موجود امکانات و خدمات با توجه به شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مشخص شده و در انتها با استفاده از روش اسکالوگرام رتبه و سطح توسعه‌یافتگی هر یک از دهستان‌ها مشخص و در نهایت به منظور برنامه‌ریزی و توزیع امکانات در راستای کاستن از شدت ناهمگونی دهستان‌های استان با توجه به تحلیل نتایج راهکارهایی پیشنهاد شده است.

در جامعه‌ی ایران برای اثبات رشد و توسعه دو دیدگاه غالب مورد توجه بوده است.

الف- توسعه‌ی درون‌زا: توسعه درون‌زا توسعه‌ی ای است که از درون اقتصاد به وسیله نظامی که فرآیند توسعه را هدایت می‌کند تعیین می‌شود. توسعه درون‌زا توسعه‌ی خودمدار است اما به معنی بازگشت به گذشته و یا عزلت و انزوا نیست. مفهوم آن تکیه بر خود و تعامل با دنیای خارج است (رحیمی، ۱۳۸۸). ب- توسعه‌ی برون‌زا: توسعه‌ی برون‌زا توسعه‌ی ای است که از بالا به پایین است و به دنبال شرایطی است که مؤلفه‌های توسعه را از جوامع صنعتی و پیشرو اخذ نموده و به کشورهای در حال توسعه تزریق نماید.

رویکرد معیشت پایدار نیز، از بستر و نظریه‌ی توسعه‌ی روستائی نوین برخاسته است و به عنوان یکی از رویکردهای نظریه توسعه‌ی پایدار از دهه‌ی ۱۹۸۰ مطرح و در دهه‌ی ۲۰۰۰ مورد توجه جدی قرار گرفته است. نظریه-ی توسعه‌ی روستائی، از اواسط قرن بیستم مبتنی بر سه تفکر پایه‌ای؛ یعنی مدل جمعیت و تکنولوژی، توسعه‌ی کشاورزی و نظریه‌های اقتصاد سیاسی بوده است (الیس^۱، ۲۰۰۰) و به رویکردهای جدیدی مانند معیشت پایدار،

حکمرانی خوب، کاهش فقر و غیره متمرکز شده است. در این میان، رویکرد معیشت پایدار به عنوان یکی از رویکردهای جدید توسعه پایدار روستایی، شیوه‌ای برای اندیشیدن و تلاش برای دستیابی به توسعه است که در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ با هدف پیشرفت و در جهت فقرزدایی از اجتماعات روستایی به وجود آمد. الیس در تعریف خود از معیشت پایدار معتقد است که معیشت با تأکید بیشتر بر دسترسی به دارایی و فعالیت‌هایی که تحت تأثیر روابط اجتماعی (جنسیت، سواد، طبقه، نژاد و قومیت و اعتقادات) و نهادها قرار دارند، شکل می‌گیرد و هرگونه اشاره به پایداری یا توانایی‌ها را مستثنی می‌کند (الیس و بیگز^۱، ۲۰۰۱). با وجود تعاریف مختلف ارائه شده از معیشت پایدار، یکی از پراستنادترین تعاریف معیشت پایدار، متعلق به چمبرز و کانوی^۲ است که بیان می‌کنند "معیشت از قابلیت‌ها، دارایی‌ها (انبارها، منابع و حق دسترسی به منابع) و فعالیت‌های لازم برای گذران معاش تشکیل شده است، به عبارت دیگر، معیشت هنگامی پایدار است که بتواند با فشارها و تنگناها سازگار شده و بهبود یافته، قابلیت‌ها، دارایی‌ها و منابع طبیعی خود را تقویت یا حفظ کند و فرصت‌های معیشت پایدار را برای نسل آینده نیز فراهم آورده و همچنین، منافع خالصی را برای معیشت دیگران در سطوح ملی یا محلی و در کوتاه مدت یا بلند مدت ایجاد کند (چمبرز و کانوی، ۱۹۹۲).

نظریه قطب رشد که ابتدا توسط فرانسوا پرو^۳ مطرح شد، عمدتاً با صنعت سروکار دارد. وی معتقد بود که جوهر و اصل توسعه صنعتی به یکباره و در همه جا ظاهر نخواهد شد، بلکه ابتدا در کانون‌هایی با شدت‌هایی مختلف ظاهر شده و از طریق مسیرهایی در نقاط معینی آغاز و گسترش می‌یابد. وی این کانون را قطب رشد خواند. قطب رشد را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از صنایع تعریف کرد که در یک ناحیه شهری واقع شده و باعث توسعه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی در ناحیه حوزه نفوذ خود می‌شود. نظریه قطب رشد همانند نظریه مکان مرکزی هم برای درک ساختار یک منطقه و هم به عنوان چارچوبی برای پیش‌بینی تغییرات این ساختار و همچنین به عنوان یک استراتژی برای توسعه منطقه‌ای بکار رفته است (اجلالی، ۱۳۷۳). قطب رشد در نهایت "اثرپخش" به وجود می‌آورد، یعنی آثار مثبت توسعه را در نواحی پیرامون انتشار می‌دهد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱).

علاوه بر این در خصوص عدم تعادل فضایی بایستی اشاره نمود که مفهوم عدالت مناقشه برانگیز بوده و تعریف آن وابسته به زمان، مکان و ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه است (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳). در دهه ۱۹۷۰، مفهوم عدالت در توزیع منابع و خدمات، اولین بار توسط دیوید هاروی^۴ مطرح (طیبیان و همکاران، ۱۳۸۹) و در دهه‌های بعد توسط محققانی از جمله رالز^۵، فانشتاین^۶، ساندرکاک^۷، یونگ^۸، سوگا^۱، لوسی^۲، تالن^۳ و غیره مورد توجه قرار گرفت (داداش

1- Ellis and Biggs

2- Chambers and Conway

3- Francois Peru

4- David Harvey

5- Rawls

6- Fanshtayn

7- Sandrkak

8- Yong

پور و دیگران، ۱۳۹۴). اندیشمندان پیرو مکتب لیبرال در تعریف آن بیشتر بر استحقاق و شایستگی و اصل تفاوت و آزادی فردی و اندیشمندان پیرو مکتب سوسیالیسم بر نیاز و برابری در توزیع و تولید تأکید دارند.

سرآغاز عدالت اجتماعی ریشه در عدالت فضایی و محیطی دارد. عدالت محیطی در چارچوب‌های علوم اجتماعی به صورت گسترده‌ای بر شرایط فقرا تمرکز کرده است. هدف آن تقاضای مداخلاتی است که موجب رفتار منصفانه به نفع فقرا باشد (دیکسون و راموسیندلا^۴، ۲۰۰۶). در واقع عدالت محیطی یا فضایی بیانگر رفتار منصفانه و دربرگیرندگی همه مردم، بدون توجه به قومیت، رنگ، منشأ ملیت یا درآمد، در توسعه، اجرا و به کارگیری قواعد محیطی است (باس^۵، ۱۹۹۸). عدالت فضایی طبق ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده است به این معناست که باید با ساکنین در هر جایی که زندگی می‌کنند، به‌طور برابر رفتار شوند (تسو و همکاران^۶، ۲۰۰۵).

برائلی خاکپور و علیرضا باوان‌پوری (۱۳۸۸)، در مقاله پژوهشی با عنوان "بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد" ضمن به تصویر کشیدن میزان و چگونگی توزیع فضایی شاخص‌های بهداشتی-درمانی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، ورزشی-تفریحی، اداری-خدماتی، علمی-پژوهشی در شهر مشهد، به تحلیل سطح برخورداری مناطق شهر مشهد و تشریح تأثیر توزیع عادلانه امکانات و پایداری شهری پرداخته است. بدین منظور، نماگرهای فوق را با استفاده از مدل موریس و نرم افزار ArcGis به تفکیک مناطق مورد سنجش قرار داده است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد ۲۵ درصد مناطق شهری مشهد (شامل مناطق ۱، ۸ و ۸ ثامن) خیلی برخوردار، ۲۵ درصد مناطق (شامل مناطق ۷، ۹ و ۱۱) برخوردار، ۸/۳ درصد (فقط منطقه ۴) متوسط، ۲۵ درصد مناطق (شامل مناطق ۲، ۳ و ۱۰) محروم و بالاخره ۱۶/۷ درصد مناطق (شامل مناطق ۵ و ۶) خیلی محروم بوده‌اند. همچنین محاسبات ضریب همبستگی بین تعداد جمعیت و درجه توسعه‌یافتگی مناطق، رابطه‌ای منفی حدود ۰/۶۵۶- را نشان می‌دهد. علی سردار شهرکی و دیگران (۱۳۹۲)، در مقاله پژوهشی با عنوان "تعیین سطوح توسعه-یافتگی کشاورزی و اقتصادی در بخش روستایی ایران"، استان‌های کشور را، از نظر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی در بخش شهری و کشاورزی در بخش روستایی رتبه‌بندی کرده است. بدین منظور از ۶۸ شاخص اقتصادی و ۴۶ شاخص کشاورزی در بخش روستایی و دو روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی استفاده شده است. طبق نتایج به دست آمده، استان‌های اصفهان، تهران، مازندران، فارس، گلستان، یزد و قم در دسته‌ی استان‌های توسعه یافته از لحاظ کشاورزی در بخش روستایی قرار دارند که از آن میان، تنها سه استان تهران، فارس و یزد دارای توسعه‌یافتگی اقتصادی‌اند و اصفهان جزو استان‌های نسبتاً توسعه یافته، گلستان جزو استان‌های کمتر توسعه یافته و همچنین قم و

1- Soja

2- Lucy

3- Talon

4- Dixon J. and Ramutsindela

5- Bass

6- Tsou et al

مازندران جزو استان‌های توسعه نیافته از نظر اقتصادی به شمار می‌روند. آمو و نوا نوسانتارا (۲۰۱۴)، به تجزیه و تحلیل اسکالوگرام از عملکرد، اهمیت و فرآیند سلسله مراتبی استراتژی بزرگ توسعه کشاورزی - صنعت در جنوب شرقی سولاوسی با سه روش تجزیه و تحلیل: اسکالوگرام، تجزیه و تحلیل اهمیت عملکرد و تجزیه و تحلیل فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) پرداخته است. نتایج تحقیق شامل ۴ عنوان زیر می‌باشد: ۱- رتبه‌بندی توانایی پشتیبانی منطقه‌ای. ۲- با آگاهی از نرخ بهره بالقوه می‌توان به شناسایی شکاف بین ویژگی‌های عملکرد خدمات عمومی که توسط دولت از طریق سازمان‌های مربوطه برای کمک به توسعه پتانسیل کشاورزی - صنعت پرداخت. ۳- آگاهی از نیازهای کشاورزی - صنعت در جنوب شرقی سولاوسی. ۴- در نهایت نتایج پژوهش منجر به تدوین استراتژی بزرگ توسعه کشاورزی - صنعت شده است. حاتم و کفاشی (۲۰۱۵)، به طبقه‌بندی شاخص‌های ساختاری سلامت در استان فارس با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اسکالوگرام در سال ۲۰۱۱ پرداختند. شاخص‌ها در سه دسته: بهداشت ساختاری، منابع انسانی، و بهداشت روستایی طبقه‌بندی شدند. داده‌ها از اطلاعات سالنامه آماری بدست آمد و با استفاده از روش اسکالوگرام تجزیه و تحلیل شد و سپس نقشه توزیع استان فارس با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS کشیده شده است. نتایج نشان داد یک ساختار سلامت قابل توجه بر روی نقشه شاخص در سراسر استان وجود دارد و شهرستان مهر با ۸۵ و زرین دشت با ۳۶ به ترتیب بالاترین و کمترین امتیاز را دارا می‌باشند. در خصوص توسعه - یافتگی و تکنیک‌های سطح‌بندی در سطح ملی و منطقه‌ای، مطالعات گسترده‌ای انجام شده است. در مطالعه تقوایی و نیلی پور که در سال ۱۳۸۵ به منظور بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی کشور با استفاده از الگوی اسکالوگرام انجام شد، شکاف زیادی در بهره‌مندی مناطق روستایی از این شاخص‌ها گزارش شده است. موسوی و همکاران در سال ۱۳۹۲ در مقاله‌ای با عنوان سطح‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه در بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری سلامت با استفاده از الگوی اسکالوگرام به بررسی وضعیت شاخص‌های ساختاری سلامت در شهرستان‌های استان کرمانشاه در سه گروه شاخص‌های نهادی، نیروی انسانی و بهداشت روستایی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که شکاف زیادی از نظر بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان در بین شهرستان‌های استان کرمانشاه وجود دارد.

پژوهش حاضر در صدد است تا با دیدگاهی ترکیبی و متأثر از دیدگاه قطب رشد و عدالت فضایی به بررسی عدم تعادل فضایی در دهستان‌های استان قزوین از نظر توزیع خدمات اقتصادی و اجتماعی بپردازد. در این راستا با استفاده از روش اسکالوگرام شاخص‌های گوناگون بخش‌های آموزش، بازرگانی، فرهنگی - ورزشی، سیاسی - اداری، زیربنایی، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات در سطح دهستان‌های استان را مورد تحلیل قرار داده تا در نهایت میزان برخورداری و محرومیت روستاها از امکانات را تعیین نمود.

مواد و روش‌ها

بر اساس آخرین وضعیت تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۹۳ استان قزوین با مساحتی بالغ بر ۱۵۶۲۶ کیلومتر مربع ۰/۹ درصد از مساحت کشور و ۱/۵ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است و دارای ۶ شهرستان (قزوین، تاکستان، بوئین زهرا، آبیک، البرز و آوج)، ۲۵ شهر (قزوین، اقبالیه، محمدیه، الوند، محمودآباد نمونه، تاکستان، اسفرورین، ضیاء آباد، خرم‌دشت، آوج، شال، دانشفهان، بوئین زهرا، رازمیان، معلم‌کلایه، آبگرم، آبیک، کوهین،

بیدستان، ارداق، خاکلی، نرجه، سگزآباد، سیردان و شریفیه)، ۱۹ بخش، ۴۶ دهستان و ۱۱۵۰ آبادی می‌باشد. این استان با دارا بودن ۸۴۲ نقطه روستایی دارای سکنه با مشکلاتی از قبیل پراکندگی این نقاط و جمعیت زیاد آنها روبروست که توسعه و پیشرفت روستایی و به تبع آن منطقه و کشور را با مشکل مواجه می‌کند. علاوه بر این قطبی شدن جمعیت در مرکز استان و تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی در شهرها باعث برهم خوردن سلسله مراتب خدمات رسانی سکونت‌گاه‌ها گردیده است، بدین ترتیب جهت سازمان‌دهی و برون رفت از این مشکلات نیاز است که روستاها را به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات سطح‌بندی نموده تا روستاهای برخوردار و محروم شناسایی و مراکز دارای قابلیت به عنوان مراکز خدمات‌رسانی تعیین گردیده و برنامه‌ریزی‌های لازم جهت توسعه این مراکز صورت گیرد. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نوع کاربردی می‌باشد. جامعه آماری نیز شامل ۴۶ دهستان استان قزوین می‌باشد. در این پژوهش از اطلاعات مربوط به بخش خدمات که شامل آموزش، بهداشت و درمان و شبکه مالی و حمل و نقل و ارتباطات می‌باشد و همچنین شاخص‌های بخش زیر بنایی شامل برق، آب و فاضلاب و گاز استفاده شده است تا میزان توسعه یافتگی و محرومیت دهستان‌های استان با توجه به توزیع خدمات و زیر بناها در سطح استان مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های مورد نیاز تحقیق از آخرین اطلاعات موجود یعنی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ به دست آمده است. سپس اطلاعات شاخص‌های بخش‌های اقتصادی-اجتماعی برای تعیین میزان برخورداری دهستان‌ها از امکانات و خدمات با استفاده از مدل اسکالوگرام و نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد تحلیل واقع گردیده است. در این مقاله ابتدا وضع موجود امکانات و خدمات با توجه به شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مشخص شده، سپس با استفاده از روش اسکالوگرام رتبه و سطح توسعه‌یافتگی هریک از دهستان‌ها مشخص و در نهایت به منظور برنامه‌ریزی و تخصیص منابع و توزیع امکانات در راستای کاستن از شدت ناهمگونی دهستان‌های استان راهکارهایی پیشنهاد شده است.

روش اسکالوگرام

الگوهای زیادی برای انجام تجزیه تحلیل مکانی و شناخت نابرابری‌های منطقه‌ای وجود دارد که از آن جمله می‌توان به الگوی تحلیل عاملی، روش ساده جمعیت، روش کارکردی، الگوی مثلثی مکانی، تاکسونومی عددی و الگوی اسکالوگرام اشاره کرد. الگوی اسکالوگرام که یکی از روش‌های مهم در برنامه‌ریزی بشمار می‌رود، در ابتدا بوسیله جغرافیدانان تاریخی برای نشان دادن بنیان‌های عملکردی سلسله مراتب مناطق شهری مورد استفاده قرار گرفت (مومنی، ۱۳۸۷). این روش نواحی یک منطقه را بر اساس تعداد و نوع عملکردهای آنها رتبه‌بندی می‌نماید و به ویژه در مواردی که اطلاعات کامل در مورد خصوصیات عملکردی مناطق در اختیار نیست و یا محدودیت زمانی و مالی برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد، مفید است. امتیاز اصلی این روش سادگی در استفاده از آن و تجزیه و تحلیل شفاف و عینی اطلاعات است (نامدار اردکانی و هوشیاری، ۱۳۹۵).

روش اسکالوگرام یک روش گرافیکی است که بطور موفقیت‌آمیزی در برخی کشورها از جمله تایلند، سریلانکا، هندوستان، اندونزی مورد استفاده قرار گرفته است این روش به منظور تعیین سلسله مراتب سکونتگاهی "سنجش سطح برخورداری نقاط شهری روستایی" مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به عنوان ماتریس قطری معروف است و برای رتبه‌بندی خدمات در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، فضایی، جغرافیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸). از

جمله محاسن روش اسکالوگرام را می‌توان مواردی از جمله: سادگی و سهولت استفاده، امکان استفاده از واحدهای مختلف برای شاخص‌ها، امکان حذف شاخص‌های غیرضروری در فرآیند عملیات، امکان جا به جایی شاخص‌ها حین عملیات ذکر نمود. همچنین علاوه بر مباحث انسانی در مباحث طبیعی برنامه‌ریزی ناحیه‌ای نیز کاربرد دارد. از معایب این روش می‌توان به دقت بسیار زیاد در تعیین متغیرها، اعمال سلیقه در تنظیم نهایی جدول و رتبه‌بندی اشاره نمود (بیرودیان، ۱۳۷۱).

در روش اسکالوگرام لازم است به انتخاب یک سری متغیر پرداخت که نشان دهنده توسعه و پیشرفت در یک ناحیه هستند. به همین منظور دهستان‌های استان قزوین با ۴۱ شاخص که بخش‌های آموزشی، اقتصادی - بازرگانی، فرهنگی - ورزشی، بهداشتی - درمانی، حمل و نقل و ارتباطات را در بر می‌گیرند به شرح جدول ۱ انتخاب شده‌اند.

در این روش ابتدا شاخص‌ها از بخش‌های مختلف بر حسب مناطق جمع‌بندی می‌شوند.

در مرحله دوم طبقات همگن بدست می‌آید. جهت تعیین طبقات همگن از فرمول زیر استفاده شد و سه طبقه بدست آمد:

$$S = x + 1.4 \quad (۱)$$

X برابر میانگین داده‌ها است. S برابر انحراف معیار داده‌ها است.

پس از محاسبه طبقه بدست آمده خنثی بوده و کمتر از آن را گروه منفی و بیشتر از آن را گروه مثبت گویند و حدود طبقات مختلف مشخص می‌شود.

در مرحله سوم جایگاه شاخص بر اساس طبقه، شهرستان و نوع متغیر مشخص می‌گردد.

مرحله چهارم تنظیم متغیرها در جدول ماتریسی می‌باشد که در این مرحله هر قدر متغیرها در قطر جدول قرار گیرند دقت رتبه‌بندی بالاتر می‌باشد.

مرحله آخر نیز محاسبه ضریب اطمینان اسکالوگرام می‌باشد که بیانگر میزان اطمینان و مناسب بودن شاخص‌ها انتخاب شده می‌باشد (مومنی، ۱۳۸۷).

$$KR = 1 - \text{خارج از قطر ماتریس} (*) \text{مجموع ستاره های} (*) \text{خارج از قطر ماتریس}$$

بر اساس این روش می‌توان موقعیت هر شاخص را در هر دهستان بدست آورد و در نهایت اولویت سرمایه‌گذاری را بر اساس دهستان و شاخص تعیین نمود.

جدول ۱. شاخص‌های مورد بررسی میزان برخورداری دهستان‌های استان از امکانات زیر بنایی و خدمات

ردیف	بخش	شاخص
۱		تراکم در هر کیلو متر مربع
۲		سه‌م روستاهای تحت پوشش مدارس مهد
۳		سه‌م روستاهای تحت پوشش در مدارس ابتدایی
۴		سه‌م روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی دخترانه
۵		سه‌م روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی پسرانه
۶		سه‌م روستاهای تحت پوشش مدارس راهنمایی مختلط
۷	بخش آموزش	سه‌م روستاهای تحت پوشش مدارس دبیرستان دخترانه
۸		سه‌م روستاهای تحت پوشش مدارس دبیرستان پسرانه
۹		سه‌م روستاهای تحت پوشش هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه
۱۰		سه‌م روستاهای تحت پوشش هنرستان فنی و حرفه ای پسرانه
۱۱		سه‌م روستاهای تحت پوشش دبیرستان کارو دانش پسرانه
۱۲		سه‌م روستاهای تحت پوشش دبیرستان کارو دانش دخترانه
۱۳		درصد جمعیت تحت پوشش مراکز خرید
۱۴		درصد جمعیت تحت پوشش جهت خرید از شهر
۱۵		درصد جمعیت دارای دسترسی به بانک
۱۶	بخش بازرگانی	درصد جمعیت دارای دسترسی به تعمیرگاه ماشین الات کشاورزی
۱۷		درصد جمعیت دارای دسترسی به تعمیرگاه ماشین الات غیر کشاورزی
۱۸		درصد جمعیت دارای دسترسی به جایگاه سوخت
۱۹	بخش فرهنگی - ورزشی	درصد جمعیت تحت پوشش کتابخانه های موجود در دهستان
۲۰		میزان دسترسی جمعیت دهستان به فضاهای ورزشی
۲۱		دسترسی به مراکز خدمات جهاد کشاورزی
۲۲	بخش سیاسی و اداری	درصد جمعیت تحت پوشش مروجین کشاورزی
۲۳		دسترسی به شرکت تعاونی روستایی
۲۴		درصد جمعیت برخوردار از آب لوله کشی
۲۵	بخش زیر بنایی	درصد جمعیت برخوردار از گاز
۲۶		درصد جمعیت برخوردار از برق
۲۷		سه‌م جمعیت برخوردار از پزشک
۲۸		سه‌م جمعیت برخوردار از مرکز بهداشتی درمانی
۲۹	بخش بهداشت و درمان	سه‌م جمعیت برخوردار از بهیار و مامای روستایی
۳۰		درصد جمعیت برخوردار از سامانه جمع اوری زباله
۳۱		درصد جمعیت دارای دسترسی به آزمایشگاه و رادیولوژی
۳۲		درصد جمعیت دارای دسترسی به دامپزشکی
۳۳		درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر پست
۳۴		درصد جمعیت دارای دسترسی به اینترنت
۳۵		درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر مخابرات
۳۶	بخش حمل و نقل و ارتباطات	درصد جمعیت دارای دسترسی به دفتر فناوری ارتباطات و اطلاعات
۳۷		درصد جمعیت دارای دسترسی به روزنامه و مجله
۳۸		درصد جمعیت دارای دسترسی به راه آسفالت
۳۹		درصد جمعیت (آبادیهای) دارای عدم دسترسی به راه (دارای راه مالرو) (شاخص منفی)
۴۰		درصد جمعیت دارای دسترسی به راه آهن
۴۱	طرح هادی	درصد روستاهای برخوردار از طرح هادی روستایی

ماخذ: شاخص‌های برگرفته از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

نتایج و بحث

بر اساس آخرین وضعیت تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۹۳ استان قزوین دارای ۶ شهرستان (قزوین، تاکستان، بوئین زهرا، آبیک، البرز و آوج)، ۲۵ شهر (قزوین، اقبالیه، محمدیه، الوند، محمودآباد نمونه، تاکستان، اسفرورین، ضیاء آباد، خرمدشت، آوج، شال، دانشفهان، بوئین زهرا، رازمیان، معلم کلاویه، آبگرم، آبیک، کوهین، بیدستان، ارداق، خاکعلی، نرجه، سگزآباد، سیردان و شریفیه)، ۱۹ بخش، ۴۶ دهستان و ۱۱۵۰ آبادی می‌باشد که ۸۴۲ آبادی آن دارای سکنه و ۳۰۸ آبادی خالی از سکنه است. دو شهرستان قزوین با ۵۶۸۹ کیلومتر مربع و بوئین زهرا با ۳۰۳ کیلومتر مربع به ترتیب وسیع‌ترین شهرستان‌های استان قزوین می‌باشند. در این تحقیق از اطلاعات مربوط به بخش خدمات که شامل آموزش، بهداشت و درمان و شبکه مالی و حمل و نقل و ارتباطات می‌باشد و همچنین شاخص‌های بخش زیربنایی شامل برق، آب و فاضلاب و گاز استفاده شده است تا میزان توسعه‌یافتگی و محرومیت دهستان‌های استان با توجه به توزیع خدمات و زیر بناها در سطح استان مورد بررسی قرار گیرد.

مطابق مراحل روش اسکالوگرام جهت تعیین طبقات همگن، ابتدا طبقه خنثی محاسبه شده تا با توجه به آن طبقات منفی و مثبت مشخص شود. در مرحله بعد جایگاه شاخص بر اساس طبقه، شهرستان و نوع متغیر تعیین گردیده است. با توجه به نتایج بدست آمده از این روش امتیاز هر دهستان اعمال گردیده است (جدول ۲). به طور کلی رتبه‌بندی دهستان‌های استان، در ۷ طبقه امتیازی شامل: ۰ تا ۹ امتیاز، ۱۰ تا ۱۹ امتیاز، ۲۰ تا ۲۹ امتیاز، ۳۰ تا ۳۹ امتیاز، ۴۰ تا ۴۹ امتیاز، ۵۰ تا ۵۹ امتیاز، ۶۰ تا ۶۹ امتیاز قرار دارند. رتبه‌های ۱ تا ۴ استان در طبقه امتیازی بین ۶۰ تا ۶۹ قرار دارند که شامل دهستان‌های پیروسیفیان، حصار ولیعصر، قاقازان شرقی، زیاران و رامند جنوبی می‌باشد.

دهستان پیروسیفیان در شهرستان البرز با مجموع ۶۹ امتیاز در بین تمامی دهستان‌های استان قزوین، رتبه نخست را داراست. رتبه دوم استانی متعلق به دهستان حصار ولیعصر با مجموع ۶۳ امتیاز می‌باشد. دو دهستان قاقازان شرقی و زیاران با امتیاز ۶۲ در رتبه سوم قرار دارند. دهستان رامند جنوبی با مجموع ۶۰ امتیاز، رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. دهستان‌های قلعه هاشم، زهرای پایین، زهرای بالا، نصرت آباد، اک، خرم آباد و اقبال شرقی در طبقه امتیازی بین ۵۰ تا ۵۹ امتیاز قرار دارند که به ترتیب رتبه‌های ۵ تا ۹ استان را به خود اختصاص داده‌اند. رتبه‌های ۱۰ تا ۱۴ استان در طبقه امتیازی بین ۴۰ تا ۴۹ امتیاز قرار گرفته‌اند، که شامل دهستان‌های دودانگه علیا رتبه دهم، کوهپایه غربی رتبه یازدهم، دشتابی شرقی و اقبال غربی رتبه دوازدهم، زین آباد رتبه سیزدهم، و دهستان‌های رامند شمالی، قاقازان غربی، شهید آباد با رتبه چهاردهم می‌باشد. دهستان‌هایی که رتبه‌های ۱۵ تا ۱۸ را به خود اختصاص داده‌اند در طبقه امتیازی بین ۳۰ تا ۳۹ امتیاز قرار گرفته‌اند و شامل دهستان‌های دشتابی غربی، کوهپایه شرقی، سگز آباد، افشاریه، خرقان شرقی، حصار خروان، بشاریات شرقی، بشاریات غربی می‌باشد. دهستان‌های دودانگه سفلی و شریف آباد با رتبه ۱۹، دهستان‌های رودبار محمدزمانی، نیارک و ایلات قاقازان شرقی با رتبه ۲۰ و دهستان خندان با رتبه ۲۱ در طبقه امتیازی بین ۲۰ تا ۲۹ امتیاز قرار دارند. طبقه امتیازی بین ۱۰ تا ۱۹ رتبه‌های ۲۲ تا ۲۸ را به خود اختصاص داده است که شامل دهستان‌های ایلات قاقازان غربی، ابراهیم آباد، معلم کلاویه، نرجه، آبگرم، رودبار شهرستان، خرقان غربی و چوقور می‌شود. دهستان‌های دستجرد، الموت بالا، کوهگیر و الموت پایین به ترتیب رتبه‌های ۲۹ تا ۳۲ استان را به خود اختصاص داده‌اند که امتیازهای بین ۰ تا ۹ را شامل می‌شود.

جدول ۲. امتیاز بدست آمده دهستان‌های هر شهرستان و رتبه آن‌ها

شهرستان	نام دهستان	جمع امتیاز دهستان	رتبه دهستان در شهرستان	رتبه استانی
تاکستان	افشاریه	۳۳	۵	۱۴
	اک	۵۱	۲	۹
	خرم آباد	۵۱	۲	۹
	دودانگه سفلی	۲۹	۶	۱۹
	دودانگه علیا	۴۸	۳	۱۰
	رامند شمالی	۴۰	۴	۱۴
	قافازان شرقی	۶۲	۱	۳
بوئین زهرا	قافازان غربی	۴۰	۴	۱۴
	نرجه	۱۴	۷	۲۵
	ابراهیم آباد	۱۸	۹	۲۳
	دشتابی شرقی	۴۲	۵	۱۲
	دشتابی غربی	۳۹	۷	۱۵
	رامند جنوبی	۶۰	۱	۴
	زاهرای بالا	۵۴	۴	۷
قزوین	زهرای پایین	۵۶	۳	۶
	زین آباد	۴۱	۶	۱۳
	سگز آباد	۳۶	۸	۱۶
	قلعه هاشم	۵۹	۲	۵
	رودبار شهرستان	۱۲	۷	۲۷
	رودبار محمد زمانی	۲۸	۳	۲۰
	کوهگیر	۷	۱۱	۳۱
	معلم کلایه	۱۵	۶	۲۴
	نیارک	۲۸	۳	۲۰
	اقبال شرقی	۵۱	۱	۹
آبیک	اقبال غربی	۴۲	۲	۱۲
	الموت بالا	۸	۱۰	۳۰
	الموت پایین	۶	۱۲	۳۲
	ایلات قافازان شرقی	۲۸	۳	۲۰
	ایلات قافازان غربی	۱۹	۵	۲۲
	چوقور	۱۰	۸	۲۸
	خندان	۲۵	۴	۲۱
اوج	دستجرد	۹	۹	۲۹
	زیاران	۶۲	۱	۳
	کوهپایه شرقی	۳۹	۳	۱۵
	کوهپایه غربی	۴۵	۲	۱۵
	بشاریات شرقی	۳۲	۴	۱۸
البرز	بشاریات غربی	۳۲	۴	۱۸
	شهید آباد	۴۰	۲	۱۴
	حصار ولیعصر	۶۳	۱	۶۳
	خرقان شرقی	۳۳	۳	۱۷
پیربوسفیان	خرقان غربی	۱۲	۵	۲۷
	ایگرم	۱۴	۴	۲۶
	شریف آباد	۲۹	۴	۱۹
	نصرت آباد	۵۲	۲	۸
پیربوسفیان	حصار خروان	۳۳	۳	۱۷
	پیربوسفیان	۶۹	۱	۱

ماخذ: نگارندگان بر اساس بافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

دهستان‌هایی که رتبه‌های ۱۵ تا ۱۸ را به خود اختصاص داده‌اند در طبقه امتیازی بین ۳۰ تا ۳۹ امتیاز قرار گرفته-

اند و شامل دهستان‌های دشتابی غربی، کوهپایه شرقی، سگز آباد، افشاریه، خرقان شرقی، حصار خروان، بشاریات شرقی، بشاریات غربی می‌باشد. دهستان‌های دودانگه سفلی و شریف آباد با رتبه ۱۹، دهستان‌های رودبار محمدزمانی، نیارک و ایلات قاقازان شرقی با رتبه ۲۰ و دهستان خندان با رتبه ۲۱ در طبقه امتیازی بین ۲۰ تا ۲۹ امتیاز قرار دارند. طبقه امتیازی بین ۱۰ تا ۱۹ رتبه‌های ۲۲ تا ۲۸ را به خود اختصاص داده است که شامل دهستان‌های ایلات قاقازان غربی، ابراهیم آباد، معلم کلایه، نرجه، آبگرم، رودبار شهرستان، خرقان غربی و چوقور می‌شود. دهستان‌های دستجرد، الموت بالا، کوهگیر و الموت پایین به ترتیب رتبه‌های ۲۹ تا ۳۲ استان را به خود اختصاص داده‌اند که امتیازهای بین ۰ تا ۹ را شامل می‌شود.

بر اساس نتایج بدست آمده از روش اسکالوگرام می‌توان دهستان‌ها را بر اساس میزان برخورداری و محرومیت در ۴ دسته برخورداری، نیمه برخورداری به سمت بالا و نیمه برخورداری به سمت پایین و محروم به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

دهستان‌های پیرویوسفیان، حصار ولیعصر، قاقازان شرقی، زیاران، رامند جنوبی، قلعه هاشم، زهرای پایین، زهرای بالا، نصرت آباد، اک، خرم آباد، اقبال شرقی که در طبقه امتیازی بین ۵۰ تا ۷۰ امتیاز و رتبه استانی ۱ تا ۹ قرار دارند، دهستان‌های برخورداری می‌باشند.

دهستان‌های دودانگه علیا، کوهپایه غربی، دشتابی شرقی، اقبال غربی، زین آباد، رامند شمالی، قاقازان غربی، شهیدآباد، دشتابی غربی، کوهپایه شرقی، سگزآباد با امتیاز بین ۳۶ تا ۴۸ که رتبه‌های ۱۰ تا ۱۶ را به خود اختصاص داده‌اند، نیمه برخورداری می‌باشند.

دهستان‌های افشاریه، خرقان شرقی، حصار خروان، بشاریات شرقی، بشاریات غربی، دودانگه سفلی، شریف آباد، رودبار محمد زمانی، نیارک، ایلات قاقازان شرقی، خندان، ایلات قاقازان غربی، ابراهیم آباد دهستان‌های کمتر برخورداری می‌باشند که بین امتیاز ۱۸ تا ۳۳ قرار دارند و رتبه‌های ۱۷ تا ۲۳ را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳).

دهستان‌های معلم کلایه، نرجه، آبگرم، رودبارشهرستان، خرقان غربی، چوقور، دستجرد، الموت بالا، کوهگیر و الموت پایین دهستان‌های محروم می‌باشند که دارای امتیازهای بین ۶-۱۵ بوده و رتبه‌های ۲۴ تا ۳۲ را به خود اختصاص داده‌اند.

همانطور که در جدول ۳ مشخص است، بیشترین تعداد رتبه‌های زیر ۱۰ استان یعنی رتبه‌های ۴ (دهستان رامند جنوبی)، ۵ (دهستان قلعه هاشم)، ۶ (دهستان زهرای پایین)، ۷ (دهستان زهرای بالا) استان در شهرستان بویین زهرا قرار دارند. پراکندگی رتبه‌های زیر ۱۰ در مابقی شهرستان‌ها به صورت تک دهستانی است. به عبارتی در هر شهرستان فقط یک دهستان وجود دارد که رتبه استانی زیر ۱۰ را به خود اختصاص داده است. برای مثال دهستان پیرویوسفیان در شهرستان البرز رتبه نخست هم در استان و هم در شهرستان را به خود اختصاص داده است. دهستان حصار ولیعصر شهرستان آوج رتبه دوم استان و رتبه نخست شهرستانی، دهستان زیاران شهرستان آبیگ رتبه سوم استانی و رتبه نخست شهرستانی، دهستان اقبال شرقی رتبه نهم استان و نخست شهرستان قزوین، دهستان قاقازان شرقی شهرستان تاکستان رتبه سوم استانی و نخست شهرستانی را شامل می‌شوند.

همانطور که در نقشه ۱ مشخص است، نتایج رتبه‌بندی دهستان‌ها از نظر برخورداری از امکانات و خدمات با توجه به روش اسکالوگرام حاکی از چهار سطح برخورداری، نسبتاً برخوردار، کمتر برخوردار و محروم می‌باشد که به ترتیب با رنگ‌های سبز، نارنجی، زرد و سرخابی مشخص شده است. الگوی پراکندگی دهستان‌ها از نظر میزان برخورداری بدین صورت است که دهستان‌های محروم بیشتر در منطقه الموت و اوج و به عبارت دیگر در نقاط مرزی و کوهستانی قرار دارند تنها دهستان نرجه از نظر محرومیت در نقاط مرزی قرار ندارد. دهستان‌های برخوردار در سایر شهرستان‌های استان پراکنده‌اند و دهستان‌هایی هستند که از نظر مسافت تقریباً به مرکز استان نزدیک هستند، بجز دهستان حصار ولیعصر که در فاصله‌ی بیشتری از مرکز استان قرار گرفته است.

گسیختگی کالبدی در سطح منطقه از یک طرف ناشی از توزیع نامساوی مواهب طبیعی و از طرف دیگر سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی توسعه از بالا یا سیاست رشد قطبی می‌باشد که باعث توزیع فضایی ناهمگون جمعیت و فعالیت گردیده است که نتیجه آن ایجاد فضاهای پرتراکم و فضاهای دارای پراکندگی بیشتر و تراکم کمتر در کنار همدیگر شده است.

مطابق با یافته‌ها بیشتر دهستان‌های نزدیک به مرکز استان و تا حدودی نیز دهستان‌هایی که در مرکز شهرستان‌ها واقع شده‌اند، به سطوحی از تمرکز رسیده و برخوردار هستند. اصلی‌ترین عامل وجود دهستان‌های محروم و برخوردار در استان شرایط طبیعی و راه‌های ارتباطی می‌باشد به‌صورتی که دهستان‌های توسعه‌یافته در محدوده دشت قزوین و در مسیر محورهای توسعه استان قرار دارند. دیگر دهستان‌ها از روند توسعه باز مانده‌اند و به نوعی لزوم تهیه برنامه‌های اساسی در مقیاس فضایی و منطقه‌ای را تأکید می‌کنند. به عبارت دیگر از یک طرف دشت بودن مرکز استان سبب جذب جمعیت و تمرکز انواع خدمات و امکانات گردیده است و از طرف دیگر به دلیل کوهستانی بودن مناطق شمالی و جنوبی استان و صعب‌العبور بودن آنها در نواحی شمالی شهرستان قزوین و جنوب شهرستان بویین زهرا و شهرستان اوج، امکان ایجاد زیرساخت و خدمات‌رسانی به این مناطق را از بین می‌برد که بالتبع سبب تمرکز کمتر جمعیت و عدم برخورداری از امکانات و خدمات می‌گردد.

محور اصلی ترانزیتی تهران - آذربایجان که از سمت شرق (شهرستان آبیگ) وارد استان شده و پس از گذر از مراکز متعدد سکونتگاهی استان و از جمله مرکز استان، از غرب استان (شهرستان تاکستان) از آن خارج می‌شود، عامل اصلی و تعیین کننده ساختار فضایی استان است. این محور جاده‌ای شامل آزاد راه و راه اصلی تهران - تبریز که به موازات یکدیگر و با فاصله اندکی نقاط سکونتگاهی و مراکز فعالیت‌های استان را به یکدیگر پیوند می‌دهد، شکل‌گیری و توسعه بخش عمده‌ای از فعالیت‌های صنعتی و خدماتی و همچنین مراکز اصلی جمعیتی استان در حواشی این محور کاملاً مشهود است که دشت قزوین نیز در این ناحیه واقع شده است. در این میان محور آبیگ - قزوین - تاکستان که شامل شبکه آزاد راهی، راه اصلی و راه آهن به موازات یکدیگر بوده و از برخی دیگر از شبکه‌های زیربنایی نیز برخوردار است، به صورت یک کریدور توسعه عمل کرده و نقش ستون فقرات این استخوان‌بندی را ایفا می‌نماید. محور تاکستان - اوج که ارتباط استان را با استان‌های غربی کشور برقرار می‌نماید به همراه محور قزوین - رشت به عنوان محورهای سطح دوم استان عمل می‌نمایند. محورهای ساوه - بویین زهرا - قزوین محورهای سطح سوم استان به حساب آمده و در مجموع سایر ارکان اصلی استخوان‌بندی سازمان فضایی را تشکیل می‌دهند.

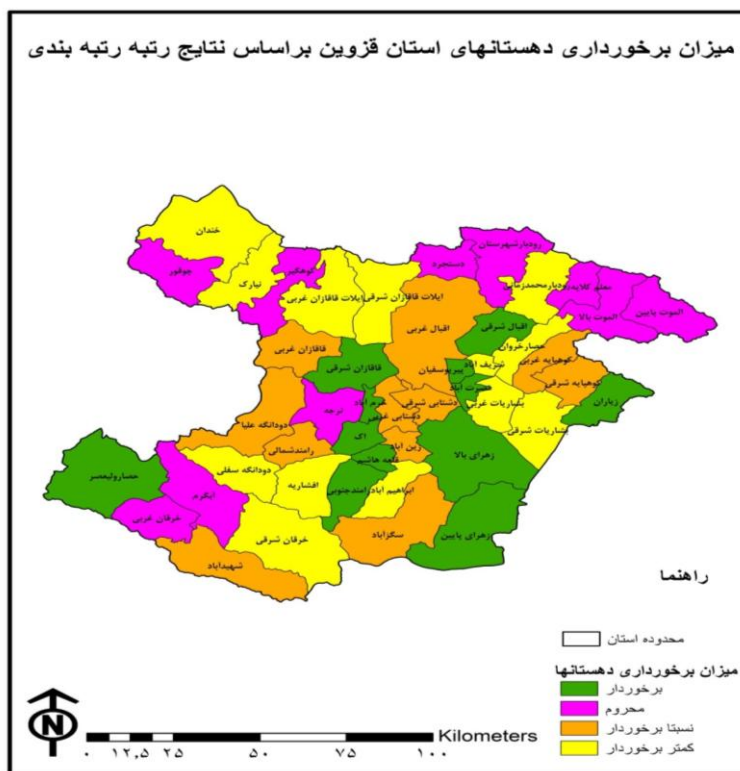
جدول ۳. امتیاز بدست آمده هر دهستان در شهرستان مربوطه و امتیاز شهرستان‌ها و متوسط امتیاز دهستان

رتبه استانی	جمع امتیاز دهستان	میزان برخورداری	نام دهستان	
۱	۶۹	برخوردار	پیروسفیان	
۲	۶۳		حصار ولیعصر	
۳	۶۲		قاقازان شرقی	
۳	۶۲		زیاران	
۴	۶۰		رامند جنوبی	
۵	۵۹		قلعه هاشم	
۶	۵۶		زهرای پایین	
۷	۵۴		زهرای بالا	
۸	۵۲		نصرت آباد	
۹	۵۱	اک		
۹	۵۱	خرم آباد		
۹	۵۱	اقبال شرقی		
۱۰	۴۸	نسبتاً برخوردار	دودانگه علیا	
۱۱	۴۵		کوهپایه غربی	
۱۲	۴۲		دشتابی شرقی	
۱۲	۴۲		اقبال غربی	
۱۳	۴۱		زین آباد	
۱۴	۴۰		رامند شمالی	
۱۴	۴۰		قاقازان غربی	
۱۴	۴۰		شهید آباد	
۱۵	۳۹		دشتابی غربی	
۱۵	۳۹		کوهپایه شرقی	
۱۶	۳۶		سگز آباد	
۱۷	۳۳		کمتر برخوردار	افشاریه
۱۷	۳۳			خرقان شرقی
۱۷	۳۳			حصار خروان
۱۸	۳۲			بشاریات شرقی
۱۸	۳۲			بشاریات غربی
۱۹	۲۹	دودانگه سفلی		
۱۹	۲۹	شریف آباد		
۲۰	۲۸	رودبار محمد زمانی		
۲۰	۲۸	نیارک		
۲۰	۲۸	ایلات قاقازان شرقی		
۲۱	۲۵	خندان		
۲۲	۱۹	ایلات قاقازان غربی		
۲۳	۱۸	ابراهیم آباد		

ادامه جدول ۳. امتیاز بدست آمده هر دهستان در شهرستان مربوطه و امتیاز شهرستان‌ها و متوسط امتیاز دهستان

نام دهستان	میزان برخورداری	جمع امتیاز دهستان	رتبه استانی
معلم کلايه		۱۵	۲۴
نرجه		۱۴	۲۵
آبگرم		۱۴	۲۶
رودبار شهرستان		۱۲	۲۷
خرقان غربی		۱۲	۲۷
چوقور	محروم	۱۰	۲۸
دستجرد		۹	۲۹
الموت بالا		۸	۳۰
کوهگیر		۷	۳۱
الموت پایین		۶	۳۲

ماخذ: نگارندگان بر اساس بافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۱. میزان برخورداری دهستان‌های استان با توجه به شاخص‌های مورد بررسی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مقاله میزان توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان قزوین از نظر ۴۱ شاخص آموزشی، بازرگانی، فرهنگی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی و .. مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. با استفاده از روش اسکالوگرام ۴۶ دهستان استان با توجه به امتیاز بدست آمده رتبه‌بندی شده‌اند، که در این رتبه‌بندی دهستان پیر یوسفیان در شهرستان البرز در رتبه اول قرار داشته و دهستان الموت پایین در شهرستان قزوین در رتبه آخر جدول قرار گرفته است. سپس با توجه به امتیاز اختصاص یافته به دهستان‌ها، آنها به ۴ دسته برخوردار، نسبتاً برخوردار، نیمه برخوردار و محروم تقسیم‌بندی شده‌اند. دهستان‌های محروم بیشتر در شهرستان‌های قزوین و آوج قرار گرفته و دهستان‌های برخوردار در شهرستان بوئین زهرا قرار گرفته‌اند.

با استفاده از امتیاز بدست آمده دهستان‌های هر شهرستان به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان (در برخورداری دهستان‌های شهرستان از شاخص‌های مورد بررسی) پرداخته شده است. نتایج گویای آن است که شهرستان البرز دارای بالاترین امتیاز بدست آمده از نظر توسعه‌یافتگی دهستان‌ها می‌باشد و سپس شهرستان بوئین زهرا در رتبه دوم قرار گرفته است و در نهایت شهرستان‌های قزوین و آوج در انتهای جدول قرار گرفته‌اند.

موقعیت جغرافیایی استان و دارا بودن اختلاف ارتفاع زیاد و تنوع اقلیمی طیف متنوع و وسیعی از عرصه‌های مختلف طبیعی شده است، بطوری که بخش جنوبی آن چهره‌ی کاملاً دشتی داشته و بخش شمالی آن متشکل از رشته کوه‌های نسبتاً مرتفع تا کم ارتفاع، تپه‌ها و تراس‌های پست و بلند که گاه‌گاه عرصه‌های دشتی میان آن‌ها است، می‌باشد. این تفاوت طبیعی موجب پیدایش مراکز زیست و فعالیت با ویژگی‌های متفاوت در سطح استان شده است. شهرها و روستاهای نسبتاً پر جمعیت در نواحی دشت مرکزی و حواشی آن و شهرها و روستاهای پراکنده در نواحی کوهستانی شمال و جنوب استان حاصل این تنوع طبیعی استان است.

به طور کلی می‌توان گفت که ترافیک بین مراکز زیست و فعالیت، رابطه مستقیم با میزان جمعیت و پتانسیل اقتصادی آنها داشته و با فاصله بین این مراکز رابطه معکوس دارد. از طرفی پتانسیل اقتصادی و موقعیت طبیعی سکونت‌گاه، تعیین کننده ظرفیت نگهداشت جمعیت در سکونت‌گاه می‌باشد. توزیع جغرافیایی نقاط سکونتگاهی در استان، ترافیک رایج بین آنها، وضع راه‌های موجود، نقش خدمات رسانی مراکز جمعیتی استان، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سیاسی شهرستان‌ها و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر و استان‌های همجوار و همچنین شریان‌های ارتباطی استان با استان‌های همجوار، در تعیین نوع راه‌های اصلی و فرعی و مشخصات آنها دخالت دارد. موقعیت جغرافیایی استان و همجواری آن با استان تهران به عنوان مهم‌ترین قطب زیست و فعالیت و مرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. همچنین قرارگیری استان بر روی یکی از اصلی‌ترین و فعال‌ترین شبکه راه‌های ارتباطی و حمل و نقل کشور یعنی (حور ترانزیتی ایران اروپا) نقش و موقعیت ممتازی را به آن بخشیده است، ضمن آنکه قزوین- به عنوان پیونددهنده اصلی بین تهران و ۹ استان شمالی، شمال غربی و غربی کشور شامل: گیلان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، همدان، کردستان، کرمانشاه، ایلام و زنجان از یک سو و قرارگیری بر سر راه مهمترین مرز زمینی کشور با اتحادیه اروپا (مرز بازرگان) و مهمترین مرز دریایی و زمینی کشور با کشورهای حوزه

قفقاز یعنی بندر انزلی و مرز آستارا از سوی دیگر از ویژگی‌های مهمی است که در زمینه موقعیت جغرافیایی استان می‌توان به آن اشاره نمود.

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری نمود که شرایط طبیعی و راه‌های ارتباطی به عنوان دو گروه اصلی عوامل در شکل‌گیری ساختار فضایی استان تأثیرگذار بوده‌اند. گروه اول با تقسیم پهنه استان به ۳ نوع طبیعت نسبتاً متفاوت دشتی، کوهپایه‌ای و کوهستانی و فراهم نمودن شرایط مساعدتر برای فعالیت‌های اقتصادی در ناحیه میانی (دشتی) استان، موجب استقرار و توسعه فعالیت‌ها و گسترش سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی در این ناحیه شده‌اند. از دیگر عوامل تأثیرگذار طبیعی موقعیت جغرافیایی استان است که موجب پدیدآمدن ویژگی چهارراهی این استان شده است. از سوی دیگر شبکه راه‌های زمینی در طول تاریخ باتوجه به این ویژگی استان رشد و توسعه یافته و در تکمیل ویژگی‌های طبیعی موجب تمرکز و تراکم مراکز زیست و فعالیت در ناحیه دشت میانی و بویژه در حاشیه‌ها، تقاطع‌ها و نقاط گره‌گاہی آن شده است.

با توجه به نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

توزیع اعتبارات استان می‌تواند بر اساس نتایج بدست آمده به نحوی صورت پذیرد که امکان برخورداری دهستان‌های واقع شده در نواحی کوهستانی استان در شمال شهرستان قزوین، آوج و همچنین بخش‌های جنوبی شهرستان بویین زهرا از زیرساخت‌ها و امکانات فراهم شود و بدین ترتیب توازن منطقه‌ای شکل گیرد.

با توجه به پراکندگی جمعیت با توزیع اعتبارات و فراهم‌سازی زیرساخت‌ها می‌توان در راستای بهبود شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی اقدام نمود. با توجه به اصل نزدیکی بیشتر به نقاط رشد و توسعه (مرکز استان، شهرستان و شهر) شاهد تمرکز جمعیت در این مراکز و با فاصله از این نقاط شاهد پراکندگی جمعیت و عدم تمرکز و همچنین مهاجر فرستی این نقاط به مراکز جمعیت بخصوص مهاجرت جوانان و در نتیجه بهم خوردن تعادل سنی و جنسی جمعیت این روستاها هستیم. این امر بطور کامل نشان دهنده عدم تعادل در توزیع جمعیت، اعتبارات و درنهایت امکانات و زیرساخت‌ها می‌باشد. با برنامه‌ریزی فضایی و توزیع اعتبارات به صورت همگون می‌توان در راستای توسعه یکپارچه و بهره‌مندی یکسان از امکانات و خدمات گام برداشت تا بدین ترتیب از پدیده مهاجرت نیز جلوگیری گردد.

در راستای توازن منطقه‌ای ابتدا بایستی به بهبود شاخص‌های آموزشی، سیاسی-اداری، بازرگانی، بهداشت و درمان پرداخت که طبق نتایج مدل اکثر دهستان‌ها در بهره‌مندی از این شاخص‌ها محروم‌ترند. بنابراین توسعه و بهبود این شاخص‌ها بایستی در اولویت قرار گیرد، سپس سایر بخش‌ها را مورد توجه قرار داد.

منابع

ابراهیم زاده، ع.، اسکندری ثانی، م. و اسماعیل نژاد، م. ۱۳۸۹. کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری- منطقه‌ای در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، ۸: ۲۸-۷.

اجلالی، پ. ۱۳۷۳. تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونت‌گاه‌ها. چاپ اول. انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

- آشوری، م.، یزدی، ع.، بشیریه، ح. و هاشمی، م. ۱۳۸۳. حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. تهران. ۳۶۵ ص.
- امیدزاده، ه. ۱۳۹۲. سنجش سطح توسعه یافتگی روستاهای دهستان رازان با استفاده از شاخص ترکیبی توسعه انسانی (HDI)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۵ (۱۶): ۹۷-۱۰۶.
- امین بیدخت، ع. ا. ۱۳۸۵. سنجش توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سمنان، مجله آموزش رشد جغرافیا، شماره ۷۶. ۱۷-۲۲.
- تقوایی، م. و نیلی پور طباطبایی، ش. ۱۳۸۵. بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش اسکالوگرام. نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۵۶: ۱۴۱-۱۰۹.
- خادم الحسینی، ا.، حاتمی، ح. و حاتمی، م. ۱۳۸۹. تحلیل عدم تعادل فضایی توسعه در استان سیستان و بلوچستان (با استفاده از مدل اسکالوگرام)، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، ۴: ۱۴۴-۱۲۷.
- خاکپور، ب. و باوان پوری، ع. ۱۳۸۸. بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد. مجله دانش و توسعه، ۲۷: ۲۰۲-۱۸۲.
- خیرالدین، ر. و نادری، م. ۱۳۹۴. توفیق و ناکامی در ساماندهی مناطق کلانشهری؛ مقایسه تطبیقی محور شرق کلان-شهر تهران با محور شرق کلان‌شهر پاریس. فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر، ۳۷: ۲۸-۱۵.
- داداش‌پور، ه.، علیزاده، ب. و رستمی، ف. ۱۳۹۴. تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام. فصلنامه علمی- پژوهشی نقش جهان، ۱: ۵۴-۷۴.
- رحیمی، ح. ۱۳۸۸. مقدمه‌ای بر جغرافیا و توسعه پایدار. چاپ دوم. نشر اقلیدس. مشهد. ۱۴۴ ص.
- زیاری، ک. ا.، سرخ کمال، ک.، زنجیرچی، م. و کرمی، م. ۱۳۹۱. نگرشی تحلیلی بر نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای مطالعه موردی: استان خراسان رضوی، فصلنامه آمایش محیط، ۱۷: ۲۴-۱.
- سردار شهرکی، ع.، کریم، م. ح. و شیخ تبار، م. ۱۳۹۲. تعیین سطوح توسعه یافتگی کشاورزی و اقتصادی در بخش روستایی ایران. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۶(۱): ۳۶-۲۱.
- طیبیان، م.، شکوهی، م. ص. و ارباب، پ. ۱۳۸۹. ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت، منطقه ۱۵ شهرداری تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۵: ۱۲۲-۱۱۱.
- فنی، ز. ۱۳۸۲. شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای. چاپ اول. انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور. تهران، ۱۳۸.

- کلانتری، خ. ۱۳۸۸. برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها). انتشارات خوشبین. تهران. ۲۸۸ ص.
- لطیفی، غ. ۱۳۸۸. دیدگاه‌هایی از توسعه، کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۰: ۷۴-۸۵.
- موسوی، ن. ا. و کشاورزی، س. ۱۳۹۰. تعیین درجه توسعه‌یافتگی کشاورزی شهرستان‌های استان فارس با استفاده از روش تاکسونومی عددی. مجله اقتصاد و کشاورزی، ۵(۴): ۱۵۹-۱۸۱.
- موسوی، م.، سیدین، ح.، آریین خصال، آ.، صادقی فر، ج.، آرمون، ب.، صفری، ی. و جویانی، ی. ۱۳۹۲. سطح‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه در بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری سلامت با استفاده از الگوی اسکالوگرام. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۲(۲): ۷-۱۵.
- مومنی، م. ۱۳۸۷. اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. نجف آباد، ۱۸۴ ص.
- نامدار اردکانی، م. ج. و هوشیاری، ا. ۱۳۹۵. سطح‌بندی شهرستان‌های استان فارس از نظر شاخص‌های بهداشتی و خدمات شهری با استفاده از روش اسکالوگرام. مجله علوم پزشکی زانکو، ۵۲: ۴۵-۵۴.
- Ambo Wonua Nusantara. 2014. The Analyzes Of Scalogram, Performance-Importance And Hierarchy Process For Grand Strategy Of The Agro Industry Development In Southeast Sulawesi. *International Journal of Humanities and Social Science Invention*, 3(10): 40-45.
- Bass, R. 1998. Evaluating environmental justice under the National Environmental Policy Act. *Environmental Impact Assessment Review*, 18: 83-92.
- Chambers, R., and Conway, G. 1992. Sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21st century. (IDS Discussion Paper No. 296), Brighton: Institute of Development Studies (UK).
- Dixon, J. and Ramutsindela, M. 2006. Urban resettlement and environmental justice in Cape Town, *Cities*, 23(2): 129-139.
- Ellis, F. 2000. Rural livelihoods and diversity in developing countries. Oxford University Press. 296.
- Ellis, F. and Biggs, S. 2001. Evolving themes in rural developments 1950s-2000s. *Development Policy Review*, Experience, Nottingham: Russell Press Ltd, 19(4): 437-448.
- Hatam, N., Kafashi, Sh. and Kavosi, Z. 2015. Distribution of Health Resource Allocation in the Fars Province Using the Scalogram Analysis Technique in 2011, *Iran J Med Sci*, 40(4): 356-361.
- Tsou, Ko-Wan, Yu-Ting, H. and Yao-Lin C. 2005. An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities. *Cities*, 22(6): 424-435.

Analysis of the spatial imbalance in distribution of and socio-economic services in the Qazvin rural district

Fereshteh Haji Fathali^{1*} and Marziyeh Bagherataran²

Submitted: 6 September 2017

Accepted: 2 June 2018

Abstract

The distribution of facilities in villages reflects the level of development of the regions and the equilibrium in the spatial distribution of facilities can also express the rural population's access to such facilities. Given that in the developing countries, most of the population live in rural areas, recognizing the structural characteristics of the level of development and awareness of the capacities and environmental abilities of each region is important. In order to solve the problems caused by regional imbalances, the first step is to recognize and classify regions in terms of social, economic and service spheres in the regional development planning process. The bottlenecks and limitations of the regions are recognized and can be resolved. In this regard, the main objective of this research was to study the development or deprivation of villages in the Qazvin province. To achieve this goal, a descriptive-analytical method and a Scalogram model have been used. The development of villages in the Qazvin province has been studied and analyzed using 41 indicators including educational, commercial, cultural, health-therapeutic, infrastructure and other sectors. The results indicate that among the 46 ranked villages in the Qazvin province, Piriyo Sofian that is one of the villages of Alborz city has ranked first at the top of the table and the village of Alamot down in Qazvin city is in the last rank in the table. Then, according to the results obtained, the villages are divided into four categories: privileged, relatively privileged, semi-privileged and deprived. The deprived villages are located in Qazvin and Avaj, and the more developed villages are located in the city of Buin Zahra.

Keywords: Imbalance, Scalogram method, Servis distribution

1 - Head of group, Management and Planning of Qazvin Organization

2 - Expert, Management and planning of Qazvin organization

(*-Corresponding author Email: fathali987@yahoo.com)

DOI: 10.22048/RDSJ.2018.97416.1675